

صورت‌بندی گناه در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی ذنب

مهدی جلالی^۱

فاطمه آگهی^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۸، پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۶، صفحه ۴۵ تا ۶۶

چکیده

ذنب از واژگان کلیدی حوزه معنایی مفاهیم گناه در قرآن کریم است. مفسران و صاحبان کتب وجوه و نظائر بدون توجه به ظرافت‌های معنایی و نیز حوزه‌های کاربردی آیات ذنب، این واژه را دارای معنایی شامل بر همه گناهان و بعضاً هم‌معنا با دیگر مفاهیم گناه در قرآن می‌دانند؛ حال آن که بیان قرآن کریم تصویر دیگری از این مفهوم به دست می‌دهد. این مطالعه عهده‌دار تبیین و تدقیق معنای ذنب در قرآن با روش‌های معناشناسی است. ریشه‌شناسی نشان می‌دهد، ماده ذنب در معانی دنباله و بهره و نصیب و گناه مشترک لفظی اند. بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی «ذنب» سه نکته را نمایان می‌سازد: یکی این که ذنب در قرآن ناظر بر بی‌توجهی یا به‌دور افکندن عهد و پیمان میان فرد و مافوق او است که مستوجب کیفر متناسب با آن است؛ دیگر این که «خطیئه» مهم‌ترین جانشین ذنب و منحصر به بافت آیات بنی اسرائیل است؛ و سوم این که مفاهیم ذنب، خطیئه، جرم و فسق، الگوی ذنب‌محور از گناه در قرآن را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: ریشه‌شناسی، انگاره گناه، ذنب، خطیئه، جرم.

درآمد

در بحث از مفهوم گناه در قرآن کریم با حوزه معنایی گسترده‌ای روبرو هستیم که در آن مفاهیم متعددی به یکدیگر پیوند خورده است. این تنوع نیاست نادیده انگاشته شود؛ بلکه باید هر واژه را در بافت و زمینه خود بررسی کرد. در قرآن و عهدین قریب ۲۰ واژه متفاوت مفهوم گناه را تداعی می‌کنند (Lipinski, 2007, 18/ 621). از نگاهی معناشناسانه نمی‌توان قائل به ترادف تام این مفاهیم بود؛ بلکه باید به دنبال فصل منطقی قابل توجهی در افتراق آن‌ها باشیم.

ذنب از مفاهیم کلیدی و پرکاربرد در آیات است که کتب لغت و تفسیر درباره معنای آن اختلاف نظر دارند. ماده سه‌حرفی ذنب در قرآن کریم ۳۵ کاربرد مختلف دارد. این ماده منحصرأ در دو ساخت اسمی ذنب و ذنوب در ۲۲ سوره از قرآن کریم به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۷۹ش، ۲۷۶). غالب مفسران ذنب در قرآن کریم را به مطلق گناه (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۲/ ۹۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۶/ ۴۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۸/ ۶۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳/ ۳۳۳؛ مراغی، بی‌تا، ۲۳/ ۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۹/ ۱۶۹) یا جرم (طوسی، بی‌تا، ۲/ ۴۰۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۲/ ۷۰۵) معنا نموده‌اند. برخی نیز بنا بر کاربردهای قرآنی آن ذنب را به معنای ترک اولی (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۳/ ۲۴۵)، گناه صغیری در تقابل با اسراف (طبرانی، ۱۴۳۰ق، ۶/ ۴۹) و گناه عمدی و کبیر در تقابل با سیئات (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ق، ۳/ ۲۱۸) و نیز، عملی که آثار و تبعات بدی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۸/ ۲۵) معنا کرده‌اند.

معناشناسی با ارائه ابزارهای نوین می‌تواند پایان‌بخش اختلافات تفسیری و لغوی باشد. معناشناسان می‌کوشند برای مطالعه دقیق‌تر معنی واژه‌ها مفهوم آن‌ها را به مؤلفه‌هایی تجزیه کنند. معنای هر واژه از مؤلفه‌هایی ترکیب یافته است که می‌توان آن‌ها را از طریق تحلیل مؤلفه‌ای^۱ بازشناخت (صفوی، ۱۳۷۴ش، ۲۷۷). منظور از تحلیل مؤلفه‌ای تحلیل مفهوم یک واژه برحسب اجزاء تشکیل‌دهنده آن است (لاینز، ۱۳۹۱ش، ۱۵۹). این مؤلفه‌ها می‌تواند برای توصیف دقیق‌تر روابط معنایی کارایی مطلوبی داشته باشد (پالمر، ۱۳۷۴ش، ۱۴۷).

طرح مسئله

ایزوتسو در کتاب *نظام واژگان اخلاقی قرآن کریم* بحث مختصری را به معناشناسی ذنب اختصاص داده است. وی ذنب را گناهان انسان در برابر خداوند می‌شناساند (ایزوتسو، ۱۳۶۰ش، ۳۰۴). رهنما نیز در مقاله «حوزه معنایی نام‌های گناه در قرآن کریم و نقد ترجمه‌های فارسی بر اساس آن» اشاره‌ای به معناشناسی ذنب دارد و با تأیید نظر ایزوتسو، برخی کاربردهای ذنب در قرآن را در معنایی شامل بر همه گناهان می‌داند. نتیجه هیچ یک از این دو مطالعه نمی‌تواند قابل تطبیق بر تمامی کاربردهای ذنب در قرآن باشد.

مطالعه کنونی را می‌توان کوششی برای تدقیق و تصحیح نظریات پیشین در معناشناسی ذنب دانست. می‌خواهیم با تحلیل واژگان هم‌نشین و جانشین ذنب معنای ریشه، مؤلفه‌های معنایی بنیادین این واژه در قرآن کریم را بازشناسیم و صورت‌بندی واضحی از معنای آن به دست دهیم. هدف آن است که دریابیم: اولاً، ذنب به معنای گناه از چه ماده‌ای مشتق شده است؛ ثانیاً، چه مؤلفه‌های معنایی‌ای دارد؛ و ثالثاً، صورت‌بندی گناه بر اساس مفهوم ذنب در آیات قرآن چه‌گونه است. ره‌آورد چنین کوششی تعیین مفاهیم محوری و حاشیه‌ای در بحث گناه، و درنهایت، ارائه تصویری کلی از انگاره گناه در قرآن کریم خواهد بود.

۱. مؤلفه‌های معنایی ماده ذنب

لغویان ماده ذنب را به سه معنا دانسته‌اند. اشاره به هر سه معنا از اولین کتب لغت متقدم وجود دارد. برخی همچون ابن فارس با اشاره به استقلال ریشه‌ای این معانی قول به اشتراک لفظی دارند. برخی نیز مانند ابوهلال عسکری و راغب اصفهانی هر سه معنا را به یک ریشه بازمی‌گردانند و قائل به اشتراک معنایی اند.

الف) مؤلفه‌های معنایی ذنب در کتب لغت

یکی از معانی ماده ذنب دُم و دنباله یاد شده است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ۸/ ۱۹۰؛ ازهری، بی‌تا، ۱۴/ ۳۱۶؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ۱/ ۳۰۶). افزون بر این، از کهن‌ترین کتب لغت اشاره به دو مؤلفه تبعیت و تأخر (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ۸/ ۱۹۱؛ ازهری، بی‌تا، ۱۴/ ۳۱۶) برای این ماده دیده می‌شود. ابن درید (د ۳۲۱ق) و پس از وی دیگر لغویان نیز، با افزودن مؤلفه رذالت به ذنب «أذنب القوم» را «أرأذلهم» معنا کرده‌اند (ابن درید، ۱۹۹۸م، ۱/ ۳۰۶؛ ابوهلال عسکری، ۱۴۰۰ق، ۲۲۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۳۱؛ نیز نک: مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۳/ ۳۵۸). اگرچه بر اساس

Archive of SID

شواهد موجود می‌توان به وجود ساخت‌ها از معنای دم، دنباله و تبعیت در عصر نزول قرآن کریم اذعان نمود (نک: ازهری، بی‌تا، ۱۴/۳۱۶)، کاربردی از معنای دم در قرآن کریم وجود ندارد.

معنای دوم ذنب در ساخت ذَنْب و ذُنُوب، گناه است. لغویان ذنب را مترادف معصیت، جرم و اثم دانسته‌اند (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ۸/۱۹۰؛ ازهری، بی‌تا، ۱۴/۳۱۶؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ۱/۳۰۶؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ۱/۹۱). در سخن از وجه تسمیه ذَنْب به گناه، از متقدمان ابوهلال عسکری (زنده در ۳۹۵ق) ذنب به معنای گناه را به ذنب به معنای دنباله پیوند داده است و با جمع مؤلفه‌های تبعیت و ردالت وجه تسمیه ذَنْب را «ارذل ما فی صاحبه» می‌داند (ابوهلال، ۱۴۰۰ق، ۲۲۳). راغب اصفهانی با تأکید بر مؤلفه تبعیت، ذَنْب را هر کار با عاقبت ناگوار دانسته است (۱۴۱۲ق، ۳۳۱). از متأخران، مصطفوی ذنب را تبعیت همراه با قیود تأخر، اتصال و پستی شمرده است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۳/۳۵۹). دیگر معنای ذنب در کتب لغت دکو بزرگ پرآب، و بهره و نصیب است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ۸/۱۹۰؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ۱/۳۰۶). لغویان قبل از ابن فارس در وجه ارتباط معنای نصیب و بهره با دیگر معنای ماده ذنب توضیحی نیافته‌اند. ابن فارس بدون هیچ توضیحی ماده ذنب را دارای سه ریشه متمایز می‌داند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۲/۳۶۱). ابوهلال عسکری اولین بار در اظهارنظری اجتهادی وجه تسمیه دلو به ذَنْب را به این مربوط می‌کند که طناب دلو هم‌چون دنباله‌ای برای آن است (عسکری، ۱۴۰۰ق، ۲۲۳). از این منظر، دلو را از آن‌رو که بند بلندی دارد ذُنُوب اطلاق کرده‌اند؛ بعد مجازاً، تعبیر ذُنُوب را برای مقدار آب موجود در دلوی که از چاه کشند به کار برده‌اند. این‌گونه، ذُنُوب در معنای نصیب و سهم به کار رفته است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ۳/۳۵۹).

ب) مشتقات ریشه در زبان‌های مختلف سامی

مؤلفه‌های مذکور در کتب لغت برای ماده ذنب را با مطالعه ریشه‌شناختی می‌توان اعتبارسنجی کرد. از ماده ذنب دو ریشه در نیای زبان عربی وجود دارد: اولی ریشه زینب^۱ به معنای ظرف کدوماند و بطری^۲ (Orel & Stolbova, 1994, 456)، و دومی ریشه ژینب^۳ با معنای دم^۴. واج ژ (ج) در زبان آفروآسیایی به واج‌های ذ، د یا ز در زبان‌های سامی تبدیل شده است (Moscatti, 1980, p 28). ذَنْب به معنای دمِ قَدَمَتِ زیادی در زبان‌های حامی سامی باستان، از جمله اُمْتیک،

1. zinb
2. gourd vessel & bottle
3. žinab
4. tail

Archive of SID

آفروآسیایی و شاخه‌های مختلف زبان‌های سامی دارد (Orel, 1994, 554). معنای انحصاری ذنب در غالب زبان‌های سامی دم است؛ اما ساخت ذنب به معنای گناه، هیچ هم‌زادی در زبان آفروآسیایی و زبان‌های سامی ندارد و منحصر در زبان عربی است (نکته: جدول زیر).

جدول ریشه ذنب در زبان‌های حامی سامی باستان و زبان‌های سامی				زبان
منبع	معنا	آوانگاری	صورت کلمه	
Orel, 456	ظرف کدومانند (gourd vessel) بطری (bottle)	Znb	ʒɪnb	آفروآسیایی باستان
	ظرف کدومانند (gourd vessel)	Znb		مصری
		ʒɪnb		چادی غربی
Orel, 554	دم	danab/ Sem :dinab	ʒɪnab	آفروآسیایی باستان
Orel, 554	دم		ʒɪban/ ʒɪban	آمتیک (omot)
Gesenius. 275	دم، پایان (end) ریشه و بن (stump) دم رویاه مردم عادی (اذناب القوم) بریدن دم، حمله و حشيانه در جنگ/ حمله کردن یا ضربه زدن از پشت	zānāb	ذنب	عبری
Jastrow/ 315	دم	danba dunba	ذنب ذنب ذنب	ترکوم
Orel, 554		dunbo		آرامی
مشکور، ۲۶۸	دم	dunobta Dnubta	دنب دنب	سریانی
Macuch, 108	دم	dinabta datibta dinipta	دنب دنب دنب	مندائی
Macuch, 108	دم	Zimbatu Zibatu zibbatum		اکدی
	دم	dnbt		اوگاریتی
Orel, 554	دم، مقعد (anus)	zanab	ذنب	حبشی
Leslau, 640	دم	Pl. ?aznab		تیگره
Leslau, 640	دم	zānnab		تگرینیا
Leslau, 640	دم	zānāb		سقطری
Leslau, 640	دم	denob		مهری
Leslau, 640	دم	denob		فارسی
مشکور، ۲۶۸	دم	donb	دنب ذنب	عربی
	دم/ دنباله و تبعیت/ تأخر، انتها اذناب القوم/ رذالت و فرومایگی			
	بهره و نصیب		ذنب	
	گناه و جرم		ذنب/ ذنوب	

ریشه‌شناسی نشان می‌دهد ذنب در معنای دم و ذنب در معنای نصیب و بهره مشترک لفظی اند. www.SID.ir

Archive of SID

ذنب در معنای دم و دنباله، ریشه در مادهٔ آفروآسیایی ژینَب به معنای دم دارد؛ اما ذَنوب به معنای بهره و نصیب ریشه در مادهٔ آفروآسیایی زینَب دارد که به معنای ظرف کدوماند یا بطری است. این کدو دارای یک سر کاملاً بزرگ و یک سر کوچک و کمری باریک بوده و در قدیم سر آن را سوراخ و همچون ظرف در آشپزخانه استفاده می‌کردند. به نظر می‌رسد از این گیاه یا ظرفی شبیه به آن هم‌چون دلو آب نیز استفاده می‌شده است. این‌گونه، مجازاً ذَنوب را بر مقدار آب موجود در این ظرف هم اطلاق کرده، و ذَنوب را در معنای نصیب، سهم و بهره نیز به کار برده‌اند.

پ) تحلیل معنای ذنب در عربی

با توجه به انحصار معنای گناه در ساخت مصدری ذَنب به زبان عربی و نبود هم‌زادها در زبان نیای عربی و دیگر زبان‌های سامی، با داده‌های ریشه‌شناسی نمی‌توان دربارهٔ این ساخت در زبان عربی سخن گفت. تنها با توجه به شواهدی همچون تصریف نداشتن مادهٔ ذنب در معنای گناه در عربی قرآنی می‌توان گفت این معناسازی از ذنب احتمالاً در زمانی نزدیک به نزول قرآن اتفاق افتاده است و گسترش صورت‌های صرفی از این معنا به دوره‌های پس از قرآن باز می‌گردد. وجود برخی خصوصیات در یک واژه کمک می‌کند به اصیل بودن آن ببریم. از جمله نشانه‌های واژگان اصیل میزان تصرف و حجم واژگانی است که در یک زبان از یک ریشه ساخته شده باشند. با توجه به تصریف نداشتن این ماده در معنای گناه در زبان قرآن به نظر می‌رسد واژه مذکور تحت تأثیر عامل خارجی به عربی قرآنی راه یافته، و در این زبان درونی نشده است.

۲. مفاهیم هم‌نشین با ذَنب در قرآن

با مروری بر کاربردهای قرآنی ذنب درمی‌یابیم که ذنب هم‌نشین‌های متفاوتی از مفاهیم حوزهٔ معنایی گناه دارد. بیشترین بسامد مربوط به ۱۸ مورد هم‌نشینی با مادهٔ غفر و ۱۲ مورد هم‌نشینی با مفهوم عذاب است.

الف) عهد و میثاق

مفهوم ذَنب ارتباط معناداری با دو مفهوم عهد و میثاق (در ارتباط با مافوق) دارد. آیات از عهد و میثاق با پیامبران (احزاب/ ۷)، مؤمنان (بقره/ ۸۳-۸۴) و اهل کتاب (آل عمران/ ۱۸۷؛ مائده/ ۱۲-۱۴؛ نساء/ ۱۵۴-۱۵۵) سخن گفته است. گفته می‌شود خداوند عهد را از طریق شرائع همراه

پیامبران برای بندگان فرستاده است (مائده/ ۱۲-۱۴).

عهد (میثاق نامه) الهی ارکانی دارد که عبارت‌اند از خداوند (عهد‌گذار)، بندگان (عهد‌پذیران)، پیامبران الهی (واسطه‌های رساندن عهد) و مفاد عهد. طی مفاد عهد وظیفه و تکلیف دو طرف پیمان مشخص شده است: تکلیف بندگان ایمان به خداوند و عبادت نکردن شیطان (رعد/ ۲۰؛ یس/ ۶۰-۶۱؛ بقره/ ۲۷)، ایمان به رسولان او و یاری ایشان (آل عمران/ ۱۸۷)، و سستی و تخلف از خود نشان ندادن در برابر عهد و پیمان الهی است (آل عمران/ ۱۴۶).

طرف دیگر این عهد و میثاق خداوند است که آموزش ذنوب و سیئات، نصرت و پیروزی بر مخالفان، و وارد نمودن آن‌ها به بهشت را وعده داده است (مائده/ ۱۲). وفاداری به عهد و پیمان دوطرفه است. خداوند وفای به عهد خویش را درگرو وفاداری افراد به عهد و پیمان الهی شمرده است (بقره/ ۴۰). عهد خداوند مورد سؤال است (احزاب/ ۱۵). خداوند افرادی را که به عهد الهی وفا کنند دوست دارد (آل عمران/ ۳۶، ۷۶). مؤمنان با رعایت عهد الهی صادقانه وفای خود را نشان می‌دهند (بقره/ ۱۷۷؛ احزاب/ ۲۳؛ مومنون/ ۸) و اجری عظیم در انتظار آن‌هاست (فتح/ ۱۰). پیمان‌شکنان به سبب رعایت نکردن عهد الهی مذمت می‌شوند (بقره/ ۱۰۰)، اهل کتاب نسبت به عهد خداوند بی‌اعتنایی نموده، و آن را به بهای اندک فروخته‌اند (بقره/ ۹۹؛ آل عمران/ ۷۷، ۱۸۷). مجرمان و خاطیان با وجود میثاق و پیمان با خداوند، عهد را نقض نموده، و فاسق و پیمان‌شکن شده‌اند (بقره/ ۲۷، ۱۰۰؛ اعراف/ ۱۰۲-۱۰۳؛ رعد/ ۲۵). آیات، ذنب را به مثابه وفادار نبودن به عهد الهی شمرده‌اند (انفال/ ۵۶). مطابق آیات ۹۹-۱۰۱ سوره بقره، «نبذ» عهد الهی توسط پیمان‌شکنان به معنای دورافکندن و بی‌اعتنایی به پیمان الهی است که پیامبران ابلاغ کرده‌اند.

و لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ مَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاقِقُونَ (۹۹) أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۰) وَ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانْتَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (بقره/ ۱۰۱).

نیز در آیه ۱۸۷ سوره آل عمران نیز دوباره سخن از «نبذ میثاق» الهی توسط اهل کتاب است:
وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْفُرُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اسْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَلِيلًا فَيَسْتَرُونَ (آل عمران/ ۱۸۷).

با توجه به تعبیر «نبذ عهد» و «نبذ میثاق»، نبود هم‌زاد ذنب در معنای گناه در دیگر زبان‌های

Archive of SID

مقلوب از ماده «نَبَذَ» باشد؛ به این معنا که درباره واژه ذنب، قلب در حروف^۱ رخ داده است. در این صورت، مولفه اصلی در ذَنْب، بی‌توجهی و به دور افکندن (پیمان) است.

ب) وعده خدا

دیگر مفهوم موجود در بافت آیات ذَنْب، «وعد الله» است. و عدالله در قرآن، وعده به مؤمنان و پیامبران است. وعده الهی به مؤمنان مغفرت، و نیز برپایی قیامت و ورود مؤمنان به بهشت است. همچنین وعد الله به پیامبران و مؤمنان، یاری و نصرت ایشان در دنیا و آخرت و هلاکت مجرمان با مستأصل کردن ایشان است (روم/ ۶، ۴۷؛ غافر/ ۵۵، ۷۷؛ ابراهیم/ ۴۹)؛ عذابی که برای نابودی پیمان‌شکنان پس از آن که به هیچ وسیله‌ای متنبه نشدند نازل می‌شود. شرط تحقق وعده تخلف‌ناپذیر خداوند، وفاداری صادقانه مؤمنان به عهد الهی در ایمان به خداوند و یاری رسولان او است (برای نمونه، نک: نساء/ ۱۲۲؛ مائده/ ۹؛ توبه/ ۷۱-۷۲).

نتیجه این وعده جانشینی مؤمنان به جای مشرکان در زمین (مکه) و غلبه دین ایشان (فتح/ ۲۸؛ توبه/ ۳۳) و تبدیل شدن خوف به امنیت و عبودیت خداوند و از میان رفتن شرک است (نور/ ۵۵). مجرمان در رسیدن این وعده عجله دارند (ذاریات/ ۵۹؛ شعراء/ ۲۰۴). خداوند پیامبر و مؤمنان را با دعوت به صبوری، از عجله در تحقق وعده الهی در هلاکت مجرمان نهی نموده است (غافر/ ۷۷؛ احقاف/ ۳۵). این مفهوم از وعد در قرآن مرتبط با مفاهیم نصر، فتح، صبر و هلاک مجرمان است.

پ) فاسق، مجرم و خاطی

از دیگر مفاهیم موجود در بافت ذنب در قرآن صورت‌های صرفی فاسق، مجرم و خاطی است که جانشین ساخت اسم فاعل از ذَنْب در قرآن اند. در آیات قرآن شکنندگان پیمان و عهد الهی از جن و انس هم‌چون مجرم، فاسق و خاطی یاد شده است (احقاف/ ۳۱؛ ابراهیم/ ۱۰؛ الرحمن/ ۳۸-۳۹). این جانشینی ناظر بر هم‌معنایی نسبی ذنب با مفاهیم فسق، جرم و خطیئه است.

در بافت ذنب سخن از عمل‌کرد مجرمان در برابر پیامبران الهی است که شامل شرک، کفر و استکبار از پذیرش دعوت پیامبران در ایمان به خدا و تکذیب پیامبران و آیات الهی است؛ رفتارهایی که درحقیقت بی‌اعتنایی یا به دورافکندن عهد و میثاق الهی و پیمان‌شکنی به‌شمار

می‌روند. مجرمان به کیفر ذنوب (عهدشکنی) از هدایت محروم (اعراف/ ۱۰۰؛ مائده/ ۴۹) و یا مستحق عذاب استیصال و هلاکت هستند (انعام/ ۶؛ انفال/ ۵۴؛ شمس/ ۱۴؛ غافر/ ۲۱؛ آل عمران/ ۱۱؛ عنکبوت/ ۴۰). به قرینه آیات، از مجرمانی از جن و انس که به سبب ذنوب، عذاب استیصال بر ایشان نازل شده است (احقاف/ ۳۱؛ ابراهیم/ ۱۰) در قیامت سؤالی نمی‌شود (الرحمن/ ۴۰-۴۱؛ قصص/ ۷۸)؛ به این معنا که به دلیل اتمام حجت، حساب‌رسی ندارند و در عذاب جهنم خالد اند (زخرف/ ۷۴).

ت) صبر، نصرت و فتح

مفهوم صبر به معنای شکیبایی در رسیدن وعده نصرت به پیامبران و مؤمنان نیز هم‌نشین نصرت و وعده الهی است (غافر/ ۵۵؛ انعام/ ۳۴؛ یوسف/ ۱۱). صبر و استقامت از جمله تکالیف پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان در زمینه وعده الهی است (هود/ ۱۱۲). نصر و نصر الله دو مفهوم تکرارشونده در بافت آیات ذنب اند. به قرینه آیات، منظور از نصر الله کمک و یاری خداوند به پیامبران و مؤمنان در غلبه بر مجرمان است. آیات متعدد حاکی از نصرت‌خواهی پیامبران و مؤمنان است (قمر/ ۱۰؛ مومنون/ ۲۶ و ۳۹؛ عنکبوت/ ۳۰). خداوند نصرت و یاری مؤمنان را بر خود فرض کرده است (۴۷ روم). پیامبر اطلاعی از زمان رسیدن نصرت الهی ندارد (اعراف/ ۱۸۷؛ شوری/ ۱۷). تمایل و گرایش مؤمنان به کافران هم یک جور ذنب است و موجب محرومیت از نصرت الهی خواهد شد (هود/ ۱۱۳).

دقت در این آیات نشان می‌دهد نصرت‌خواهی و دعا برای غفران ذنوب در یک بافت جا گرفته‌اند (بقره/ ۲۵۰، ۲۸۶؛ آل عمران/ ۱۴۷). بافت آیات نصر نشان می‌دهد با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فشارهای مختلف، مؤمنان به شدت منتظر رسیدن نصرت الهی بوده‌اند. آیات قرآن در پاسخ به سؤال از زمان نصرت الهی آن را نزدیک نمایانده‌اند (صف/ ۱۳؛ بقره/ ۲۱۴). دو سوره نصر و فتح بشارت و خبر از رسیدن نصر الله و فتح نهایی است.

از دیگر مفاهیم کلیدی درباره ذنب، مفهوم فتح است. منظور از فتح در قرآن مطلق پیروزی مؤمنان بر مجرمان است (نساء/ ۱۴۱-۱۴۲). فتح‌طلبی دعای مشترک پیامبران الهی و مؤمنان است (اعراف/ ۸۹؛ شعرا/ ۱۸؛ ابراهیم/ ۱۵). مفاهیم فتح و نصرت در آیات هم‌نشین اند و به مؤمنان بشارت فتح و نصرت به شرط پای‌بندی ایشان به عهد الهی و تلاش راستین می‌دهند (انفال/ ۱۹؛

Archive of SID

مائده/ ۵۲). سوره نصر (آیه ۱)، سوره صف (آیه ۱۳) و سوره فتح (آیات ۱، ۱۸، ۲۷) اشاره به «فتح» و نصرت بر مشرکان و کافران دارند. غفران ذنب مؤمنان نیز مرتبط با فتح و نصرت الهی است (فتح/ ۱-۲؛ نصر ۳).

۳. بخشایش یا کیفر ذنب

بر مبنای مضمون آیات و مفاهیم هم‌نشین غالب کاربردهای ذنب در قرآن را می‌توان به دو نوع بافت متنی تقسیم نمود؛ متنی‌هایی با مضمون غفران ذنوب مجرمان و مؤمنان، و متنی‌هایی با مضمون عذاب یا کیفر به سبب ذنوب. در ۱۸ آیه ذنب و ذنوب متعلق ماده غفر در دو ساخت ثلاثی مجرد و مزید است. مفهوم غفران ذنوب هم در دو بافت غفران ذنوب مجرمان و غفران ذنوب مؤمنان مطرح شده است.

الف) غفران ذنوب مجرمان

دسته اول از آیات غفران ذنوب مربوط به غفران ذنوب مجرمان است. آیات متعدد از دعوت مشترک پیامبران الهی همچون نوح، ابراهیم، لوط، هود، شعیب، موسی و صالح (ع) برای غفران ذنوب حکایت دارد. مفاد این دعوت وفاداری به پیمان و عهد الهی است. این گروه از آیات درباره غفران ذنوب مجرمان، و همگی مکی است. آیات غفران ذنوب را در قالب تجارت (پیمان و قرارداد دوسویه) با خداوند (همچون مافوق) مطرح نموده‌اند. شرط تجارت ایمان به پیامبر همچون داعی خدا و دست برداشتن از رویه قبل (شرک، کفر و استهزاء پیامبران و آیات الهی) است. در مقابل، منفعت تجارت نیز، غفران ذنوب مجرمان و نجات از عذاب است.

غَافِرِ الذَّنْبِ وَ قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّلُولِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (غافر/ ۳)

با توجه به مضامین به نظر می‌رسد هدف از نزول سوره غافر، از یک سو، بشارت غفران ذنوب به مشرکان و کافران به شرط وفای‌شان به عهد و پیمان الهی، و از دیگر سو، انداز به عذاب در صورت پیمان‌شکنی است.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. وَ أٰنٰبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (زمر/

۵۳-۵۴).

مضمون آیات ۴۷ تا ۵۵ سوره زمر گزارش عذاب عهدشکنان (مشرکان) اقوام گذشته، و

هشدار به مشرکان مکه درباره نزل عذاب در نتیجه عهدشکنی (استهزاء آیات و رسولان الهی) است. آیه ۵۳ سوره زمر در اولین دعوت به غفران ذنوب در قرآن، با کاربرد تعبیر «یا عبادی» وعده غفران همه ذنوب را می‌دهد. بازگشت و تسلیم در برابر پروردگار و تبعیت از آیات شرط غفران ذنوب و نجات از عذاب استیصال است.

يا قَوْمًا اٰجِبُوْا دَاعِيَ اللّٰهِ وَ اٰمِنُوْا بِهٖ يُغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوْبِكُمْ وَ يُجِزَّكُمْ مِنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ (احقاف / ۳۱). آیه ۳۱ از زبان گروهی از جن سخن از غفران ذنوب و امنیت از عذاب در صورت اجابت دعوت پیامبر اکرم (ص) و ایمان [اولیه] به او ست. این آیه شمول ذنب درباره جن و انس را نشان می‌دهد. کاربرد «داعی الله» در اشاره به پیامبر اکرم (ص) اولاً، گویای انتساب دعوت ایشان به خداوند است؛ ثانیاً، فراگیری این دعوت هم‌چون پیام مشترک انبیاء الهی را یادآور می‌شود.

قَالَتْ زُئِلْتُمْ اَفِی اللّٰهِ شَكٌّ... يَدْعُوْكُمْ لِيُغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوْبِكُمْ وَ يُؤَخَّرَكُمْ اِلٰی اَجَلٍ مُّسَمًّى (ابراهیم / ۱۰).

این آیه نیز سخن از دوگان مغفرت و عذاب در کلام پیامبران به عنوان داعی الله است و حکایت از عمومیت دعوت پیامبران الهی به غفران ذنوب و نجات از عذاب دارد. مطابق آیات، اَجَلٍ مُّسَمًّى زمان معین در علم خداوند بر نزل عذاب استیصال و نابودی مجرمان است (نک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۱۹ / ۷۳). اجابت داعی الله و ایمان به او نیز، مقدمه و سبب غفران ذنوب و امنیت از عذاب است.

غفران ذنوب در این آیات در قالب تجارت و معامله با پروردگار و پیمانی دوسویه مطرح است. شرط تجارت ایمان به پیامبر هم‌چون داعی الله و دست برداشتن از ذنوب (عهدشکنی با خداوند در صورت‌های مختلف شرک، کفر و استهزاء پیامبران و آیات الهی) است. در مقابل، منفعت تجارت نیز غفران همه ذنوب است. نکته مهم این که غفران الهی در این آیات به تبع طلب غفران و نیز استغفار مجرمان نیست؛ بلکه خداوند خودش انسان را دعوت کرده، و فراخوانده است تا ذنوبش را ببخشد؛ یعنی پذیرش عملی دعوت پیامبران سبب غفران ذنوب و نجات از عذاب است.

با مشاهده آیات غفران ذنوب مجرمان، سه نکته را می‌توان بدست آورد: اولاً برخی آیات، هشدار به کافران و مشرکان مکه درباره تکرار سنت الهی اِهْلَاک در صورت نافرمانی از پیامبر اکرم (ص) و دعوت او ست (غافر / ۳). ثانیاً، برخی آیات جای‌گرفته در بافت امیدبخشی به کافران

Archive of SID

و مشرکان مکه — برای غفران ذنوب و امنیت ایشان از عذاب — مشروط به پذیرش عهد الهی و اجابت دعوت پیامبر اکرم (ص) است (زمر/ ۵۳؛ احقاف/ ۳۱). ثالثاً، نزول این آیات مربوط به دوره‌ای است که پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان تحت شدیدترین آزارها و فشارها بودند. این آیات با یادآوری تاریخ مقاومت پیامبران و اقوام قبل کارکرد تسلی‌بخشی به پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان در تحمل مشکلات دارند و به مؤمنان دربارهٔ نصرت بر دشمنان بشارت می‌دهند (نوح/ ۴؛ ابراهیم/ ۱۰؛ انفال/ ۴۷).

ب) اشارات مندرج در سوره آل عمران به ذنوب مؤمنان

دسته دیگری از آیات ذنب دربارهٔ غفران ذنوب مؤمنان، و در سوره‌های مدنی است. در این آیات نیز سخن از تجارت و معامله مؤمنان با خداوند است (صف/ ۱۰-۱۲؛ آل عمران/ ۱۹۴). برای نمونه، گفته می‌شود:

قُلْ أُو۟بَتِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا... الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمَّانًا فَاعْفُزْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۶) الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَائِتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَشْحَارِ (آل عمران/ ۱۷).
سوره آل عمران با ۴ آیه، پرسامدترین سوره مدنی در یادکرد ذنوب مؤمنان است. با توجه به زمان نزول و بافت آیات این یادکرد در ارتباط با انتظار و صبوری مؤمنان بر وعده الهی به غلبه و نصرت بر مشرکان و کافران است.

آیه دهم و یازدهم سوره آل عمران خطاب به کفار مکه، ایشان را تهدید به عذابی همچون آل فرعون در نتیجه ذنوبشان می‌کند. آیه دوازدهم وعده غلبه بر کافران است. در آیه سیزدهم با یادآوری جنگ بدر و پیروزی مؤمنان با امداد الهی، این نصرت الهی را نشانه‌ای برای صاحبان خرد می‌شمرد. سرانجام آیه شانزدهم در معرفی متقین دو نشانه اقرار به ایمان و دعا برای غفران ذنوب را مطرح می‌کند. در این آیه نیز سخن از عهد و پیمان الهی است؛ ایمان و تقوا، وجه غفران ذنوب و نجات از عذاب است. ذنوب مؤمنان — به قرینه بافت آیه — استعجال و کوتاهی در امر نصرت الهی است و این آیه، دربارهٔ چگونگی طلب غفران از خداوند جنبه تعلیمی دارد.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (آل عمران/ ۳۱).

مطابق آیه ۳۱ سوره آل عمران تبعیت از رسول خدا وجه غفران ذنوب و جلب رحمت الهی است. مفسران آیه را در بافت اهل ایمان از مسلمانان معنا نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳/ ۱۵۷)؛ اما بافت و شان نزول نشان می‌دهد که آیه در پاسخ به ادعای محبت خداوند از سوی اهل کتاب

نازل شده است (مائده/ ۱۸). در این آیه نشانه‌ راستین بودن این ادعا تبعیت از رسول الهی (داعی الله) شناسانده می‌شود. تبعیت از رسول الهی نشانه پای‌بندی به پیمان الهی و در تقابل با ذنوب (به معنای قصور در این پیمان) است.

در آیات ۱۴۶-۱۴۷ سوره آل عمران غفران ذنوب منوط به جهاد و همراهی شایسته با پیامبران الهی است:

وَ كَأَيُّ مَنِ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
وَ اللَّهُ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ (۱۴۶) وَ مَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ تَبَيَّنْ
أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (آل عمران، ۱۴۷)

این آیات تعلیم پای‌بندی به پیمان و یاری راستین پیامبران است. ذنوب به قرینه بافت اشاره به کوتاهی و ناشکیبایی مؤمنان پیش از رسیدن و عده نصرت الهی و شامل مواردی همچون سستی در راه خدا، ضعف و خضوع در برابر دشمن است. (نک: طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۲/ ۸۵۵). در این آیه ذنوب در هم‌نشینی با «اسراف در امر» چیزی است که باید آمرزیده (غفران) شود. مفسران بر سر معنای اسراف و تفاوت آن با ذنوب اختلاف نظر دارند. بیش‌تر مفسران این تقابل را به گناهان صغیره و کبیره ارجاع داده، و اسراف را کبائر ذنوب دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۱۰ق، ۳/ ۱۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۹/ ۳۸۱). برخی هم اسراف را افراط از حد (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ۲/ ۸۵۵)، و برخی نیز کوتاهی در آمادگی برای جنگ و امور آن (ابن عاشور، بی‌تا، ۳/ ۲۴۶) معنا نموده‌اند.

اسراف با توجه به هم‌نشینی آن یعنی «امر» بایست معنا شود. «أمرنا» در بافت نصرت پیامبران به معنای موعده نصرت الهی به مؤمنان در پیروزی بر کافران و هلاکت ایشان است (نک: هود/ ۵۸). براین پایه، می‌توان گفت اسراف در امر به معنای زیاده‌روی‌ها، و مفهوم ذنوب به معنای قصور مؤمنان در تکالیف مربوط به امر نصرت است. این یعنی مثلاً دروغ شمردن و عده نصرت الهی به پیامبران می‌تواند از مصادیق اسراف در امر باشد. بنابراین، عطف اسراف به ذنوب در بافت نصرت و فتح از باب تقابل صغیره با کبیره نیست؛ از باب عطف مصداقی خاص و جزئی به مفهوم عام و دربرگیرنده آن است. نیز، هم ذنوب هم اسراف‌ها به شرط همراهی شایسته مؤمنان با پیامبران الهی مورد غفران قرار می‌گیرد.

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُبَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ (آل

Archive of SID

آیات ۱۹۳-۲۰۰ سوره آل عمران شامل چندین دعا تماماً در بافت نصرت خواهی بر مشرکان است. آیه ۱۹۴ دعا برای تحقق وعده الهی به رسولان در نصرت و پیروزی بر مجرمان است (روم/ ۶، ۴۷؛ غافر/ ۵۵، ۷۷). عبارت «انک لا تخلف الميعاد» اشاره به وعده تخلف ناپذیر الهی دارد. ذنوب مؤمنان مرتبط با بافت آیه و به معنای بی‌قراری و ناشکیبایی ایشان در رسیدن موعد الهی است. غفران ذنوب، فرع بر استجابت ندای رسول الهی در ایمان به خداوند است. آیات ۱۹۵ تا انتهای سوره آل عمران، سخن از استجابت دعاهاى مؤمنان به جهت ایمان راستین و مجاهدت و مهاجرت در همراهی با پیامبر اکرم (ص) و تحمل آزارها در راه خداوند است که در حقیقت نمونه بارز پایبندی به میثاق الهی است. آیات بعدی نیز تا انتهای سوره دل‌گرمی دادن به مؤمنان و دعوت به صبر فردی و اجتماعی و التزام به تقوا تا رسیدن نصرت الهی را پی می‌گیرند (نک: ابن عاشور، بی‌تا، ۳/ ۳۱۷).

پ) اشارات به ذنوب مؤمنان در دیگر سوره‌ها

سوره احزاب در ترتیب نزول پس از سوره آل عمران قرار دارد. آیات ۶۹-۷۱ تصویر دیگری از تعامل دو جانبه خداوند با مؤمنان است:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا.. (۶۹) يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۷۰) يَضْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (احزاب/ ۷۱).

تقوا و قول سدید سبب اصلاح اعمال و غفران ذنوب توسط خداوند است. هرچند به نظر می‌رسد منظور از ذنوب معنایی اعم از گناهان باشد، وجود مفاهیم هلاکت مجرمان (احزاب/ ۶۳، ۷۳) و یادکرد تقوا و اطاعت از خدا و رسول هم‌چون پایبندی به پیمان و تکالیف ناظر بر آن نشان می‌دهد که ذنوب در این آیه نیز معنایی مانند آیات قبل دارد. غفران ذنب در این آیات نیز مرتبط با اصلاح کوتاهی‌ها در برابر پیامبر الهی است.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ. تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يَدْخُلْكُمْ جَنَّاتٍ... وَ أُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ (صف/ ۱۰-۱۳)

سوره صف در فاصله کمی از سوره فتح و نصر در بشارت به رسیدن نصرت الهی نازل شده است. آیات ۱۰-۱۳ آخرین آیات درباره «غفران ذنوب مؤمنان» و بشارت به نصرت و فتح قریب‌الوقوعی است که آیات ابتدایی سوره نصر و فتح از تحقق آن خبر می‌دهد. مطابق آیه، غفران

ذنوب تجارت خداوند با مؤمنان است. وجه تجارت دو امر ایمان به خدا و رسول و جهاد با اموال و جان‌هاست و در مقابل، غفران ذنوب به معنای رهایی از عذاب، منفعت حاصل از تجارت است. منفعت دیگر، بشارت به نزدیک شدن امر دوست‌داشتنی و متوقع مؤمنان یعنی نصرت و فتح قریب بر کافران و مشرکان است.

به قرینه آیه بعد (صف / ۱۴)، مؤمنان تا رسیدن این پیروزی و فتح به مانند حواریون حضرت عیسی (ع) مأمور به یاری پیامبر اکرم (ص) اند. بنابر بافت، ذنوب در این آیه سستی‌ها و ناشکیبایی‌ها بر امر نصر و پیروزی است که به شرط وفاداری راستین و عملی مؤمنان به پیمان الهی در همراهی با رسول او، مشمول غفران پروردگار است. این تصویری از وفای به عهد دو جانبه و تجارت خداوند با مؤمنان است. در آیات این دسته نیز «غفران ذنوب مؤمنان» نه در پی استغفار از ذنوب، بلکه در پی وفاداری عملی به تکالیف مرتبط با عهد و پیمان الهی است.

مطابق آیات، غفران ذنوب در قرآن گاه نتیجه وفاداری به عهد و پیمان الهی، و گاه نتیجه استغفار از ذنب است. در میان مفاهیم حوزه معنایی گناه در قرآن مفهوم استغفار منحصرأ در هم‌نشینی با ذنب و ذنوب به کار رفته است. آیاتی از استغفار از ذنوب مؤمنان و مجرمان خبر می‌دهد؛ استغفاری که گاه خود شخص می‌کند (انفال / ۳۳؛ نساء / ۶۴، ۱۱۰؛ مائده / ۷۴؛ بقره / ۱۹۹) یا رسولان الهی برای او می‌کنند (نساء / ۶۴؛ یوسف / ۹۷؛ اعراف / ۱۵۱). آیات استغفار نیز در بافت قصور و استعجال مؤمنان در امور مربوط به پیمان الهی یعنی نصرت و پیروزی الهی جای دارد (فتح / ۱۱؛ نوح / ۲۸). ذنوب مجرمان نافرمانی ایشان از پیامبران در جایگاه داعی الله، و ذنوب مؤمنان هم شک و تردید یا استعجال در وعده الهی به پیامبران است. در نتیجه، استغفار از ذنوب نیز با واسطه پیامبران الهی برای افراد انجام شده است (نوح / ۲۸؛ ممتحنه / ۴؛ یوسف / ۹۶-۹۷). اصرار نوزیدن بر انجام ذنوب، شرط مهم در پذیرش استغفار و غفران ذنوب از جانب خداوند است (آل عمران / ۱۳۵).

۴. دیگر ملاحظات

هنوز برخی دیگر از آیات مرتبط با ذنب در قرآن کریم باقی مانده‌اند که باید آن‌ها را ذیل

مقراة‌های جداگانه‌ای دسته‌بندی و بررسی کرد.

الف) عذاب یا کیفر به سبب ذنب

مضمون شماری از آیات ذنب عذاب و کیفر به سبب ذنب است. چنین عذابی در قرآن با تعابیر گوناگون یاد شده است. این آیات در بافت سخن از اقوام گذشته و در هشدار به کافران و مشرکان یا اهل کتاب است:

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَسْكِنَهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ نَطْلَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (١٠٠) تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ... (١٠١) وَ مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَ إِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (اعراف/ ١٠٢).

کلمات عهد و فاسقین در آیه ١٠٢ سوره اعراف اشاره به مؤلفه پیمان شکنی در ذنب دارد. عهدالله به قرینه هم نشینی اش با آیات، عهد و میثاق بر توحید و یکتاپرستی و پرستش نکردن شیطان دلالت می کند. کفر و شرک نیز به مثابه نقض این عهد خواهند بود (انفال/ ٥٦) و کیفر به دنبال دارند.

در آیه ٤٩ سوره مائده عهدشکنی فاسقان اهل کتاب درباره حکم پیامبر (ص) مصداق ذنب است و از اراده خداوند بر کیفردهی و مجازات این عهدشکنان فاسق خبر داده است:

وَ أَنْ احْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ اخذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَ إِنْ كَثُرُوا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (مائده/ ٤٩)

آیات این دسته با تعابیر مختلف به عذاب و هلاکت مجرمان اقوام سلف به سبب ذنوب اشاره نموده، و درباره تکرار این سرنوشت به مجرمان و پیمان شکنان عصر نزول قرآن هشدار داده اند. کیفر و مجازات — به تناسب نوع ذنب — متفاوت است. دیگر از آیات مرتبط با این دسته اینهاست:

كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ اعْرِضْنَا آلَ فِرْعَوْنَ... (انفال/ ٥٤).

...أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ... وَ لَا يَسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِ الْمُجْرِمُونَ (قصص/ ٧٨).

وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ... (مائده/ ١٨).

وَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ... (٣٩) فَكَلَّمْنَا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَ مِنْهُمْ مَنْ أَخَذْتُهُ الصَّيْحَةَ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَ مِنْهُمْ مَنْ أَعْرَفْنَا... (عنكبوت/ ٤٠).

ب) ذنب و قصور از تکلیف

برخی آیات در بردارندهٔ تعبیر ذنب نیز به قصور در تکلیف در برابر مافوق و قابلیت کیفردهی ذنب اشاره دارند. برای نمونه، در آیهٔ ۱۴ سورهٔ شعراء، با عبارت «وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ»، موسی (ع) مالکیت ذنب را برای دیگران (فرعونیان) دانسته است. موسی (ع) در ارتباط با آل فرعون عملی را مرتکب شده که از نگاه ایشان قصور در پیمان در ارتباط با مافوق (فرعون) و مستوجب کیفر قتل است (نک: طباطبایی، ۱۴۱۰ق، ۱۵/۲۵۹؛ قرشی، ۱۳۷۱ق، ۳/۲۶).

نمونهٔ دیگر از این قبیل آیهٔ ۸ سورهٔ تکویر است. در این آیه زنده به گور کردن دختران با کاربرد این تعبیر تویخ می‌شود: «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ». به نظر می‌رسد آیه از قصور و کوتاهی فرزند در برابر مافوق (والدین) سؤال می‌کند؛ قصوری که سبب کیفر قتل شده است. در این آیه می‌توان اشاره‌ای خفیف نیز به لزوم تناسب میان ذنب و کیفر استنباط کرد.

پ) ذنب و خطیئة

از دیگر هم‌نشین‌های ذنب در آیاتی از قرآن کریم واژهٔ خطیئة است. برای نمونه، در آیهٔ ۹۷ سورهٔ یوسف برادران یوسف با خاطی دانستن خویش از پدرشان درخواست استغفار و طلب غفران برای «ذنوب» دارند: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ». ذنوب در این کاربرد به قصور و تخلف در میثاقی اشاره دارد که برادران یوسف با پدر (مافوق خود) در حفظ و نگهداری از برادر بسته بودند (نک: یوسف / ۸۰).

در نتیجه، ذنب در آیات مذکور به معنای گناه متداول — یعنی معصیت یا نافرمانی خدا — نیست. به موجب این آیات، ذنب به دلیل بی‌توجهی به پیمان مستوجب کیفر و مجازات است و هم‌چنان که در آیاتی از آن سخن رفته، تناسبی میان ذنب و کیفر آن برقرار است.

ساخت خطیئة و صورت‌های جمع آن در هم‌نشینی با مفاهیم غفران و عذاب (نوح/ ۲۵؛ اعراف/ ۱۶۱؛ شعرا/ ۵۱؛ طه/ ۷۳) اصلی‌ترین جانشین ذنب و ذنوب در آیات است؛ با این تفاوت که کاربرد خطیئة محدود و منحصر به بافت آیات بنی‌اسرائیل است. خطیئة در زبان عربی معادل واژهٔ سریانی خطیئة^۱ و حبشی خطیئت^۱ به معنای گناه و اشتباه است (Leslau, 1987, Costaz, 1984, 102).

268). برخی اصل کلمه را آرامی دانسته‌اند (Jastrow, 1950, 447; Jeffery, 2007, 124).

برخلاف ذنب، ماده «حط»^۲ (معادل خطاً عربی) ماده‌ای شناخته شده در غالب زبان‌های سامی در مفهوم گناه و پرکاربردترین مفهوم در ارجاع به گناه در عهد عتیق است. می‌دانیم در آیین مسیحیت مفهوم گناه نخستین بسیار مهم و در کلام مسیحی از ارکان باور دینی است. کاربردهای ماده حط در عهد عتیق بیش از آن که به گناه به مفهوم کلامی آن^۳ اشاره داشته باشد، به قصور و کوتاهی در وظیفه و تکلیفی اشاره دارد که ناظر بر تعامل و توافقی دوسویه است. در یک طرف این تعامل زبردست، و در طرف دیگر مافوق قرار دارد. صادق^۴ کسی است که در این توافق تکلیف خود را به درستی انجام دهد و در تضاد با کسی است که درباره شریک (طرف قرارداد)^۵ خود کوتاهی کند. هر گونه قصور و خلأ اطاعت در برابر مافوق، مصداق خطاست؛ زیرا شایسته است که زبردست از مافوق تبعیت و اطاعت کند. کاربردهای این ریشه در عهد عتیق نیز هم چون قرآن در ارتباط با تکالیف انسان در برابر خدا یا مافوق است. نیز در عهد عتیق هم قصور و کوتاهی در انجام این تکالیف کیفر به همراه دارد (Lipinski, 2007, 18/ 621-622).

در قرآن دو مفهوم ذنب و خطیئة غالباً در بافت نقض پیمان‌های الهی و شرعی میان انسان و خداوند جای گرفته‌اند. در این الگو آنچه عمل را گناه‌آلود ساخته، نقض پیمان و قراردادی است که قصور در آن به ناهنجاری در رابطه میان فرد و مافوق او می‌انجامد. واژه خاطی در قرآن درباره تخلف از پیمان‌های الهی و غیرالهی کاربرد دارد؛ حال آن که برای اشاره به نقض عهد الهی در قرآن اغلب از دو مفهوم مجرم و فاسق استفاده می‌شود (نک: یوسف / ۹۷؛ حاقه / ۳۷؛ علق / ۱۶؛ قصص / ۸).

1. ḥaṭī'at

۲. ذن

3. Theological concept

4. zaddik

5. partner

نتیجه

در این مطالعه کوشش کردیم با به‌کارگیری روش‌های معناشناسی — مانند ریشه‌شناسی و بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی — معنای ذنب در قرآن کریم را مشخص، و تیرگی معنایی آن را برطرف کنیم. ریشه‌شناسی نشان داد ذنب در دو معنای دُم و نصیب و بهره مشترک لفظی، و دارای دو ریشهٔ جداگانه در نیای زبان عربی هستند. ذنب به معنای گناه، منحصرأ در زبان عربی به کار رفته است و متناظری در دیگر زبان‌های سامی ندارد. با توجه به ارتباط وثیق ذنب با مفهوم عهد و میثاق و کاربرد تعابیر نَبذ عهد و نَبذ میثاق در آیات، فرضیهٔ اشتراک ریشه میان مادهٔ نَبذ و ذنب مطرح شد. بر پایهٔ این فرضیه، ذنب مقلوب نَبذ و به معنای بی‌توجهی به عهد و میثاق یا دورافکندن آن از روی بی‌توجهی است.

بررسی روابط هم‌نشینی نشان داد، ذنب در قرآن در هم‌نشینی با مفاهیم عهد و میثاق، هر گونه بی‌توجهی و سستی یا دورافکندن پیمان در رابطهٔ دوسویه میان فرد و مافوق او ست. مافوق بنا بر آیات قرآن ممکن است خداوند، رسولان الهی، یا مثلاً والدین باشند. کاربرد ذنب در آیات قرآن، غالباً در بافت‌هایی روی می‌دهد که در آن‌ها سخن از بی‌توجهی به پیمان‌های الهی است. هم‌نشینی مکرر ذنب با مفاهیمی مانند عهد و میثاق الهی، وعد الله، نصر الله، فتح، رسول الهی، مجرمین، غفران و عذاب موجب شده است که طیفی از معانی را دربر گیرد.

غفران ذنوب در قرآن صرفاً به معنای آمرزش گناهان نیست؛ مفهوم رحمت به معنای دوری از عذاب نیز در فضای مفهومی آن حضور دارد. ساخت ثلاثی مزید استغفار نیز در قرآن همواره در هم‌نشینی انحصاری با ذنب و ذنوب مطرح می‌شود. استغفار توسط ناقض پیمان و یا با واسطهٔ پیامبران الهی (در جایگاه واسطه‌های عهد الهی) انجام می‌گیرد. غفران ذنوب در قرآن غالباً به تبع استغفار و طلب غفران نیست؛ بلکه امری از جانب خداوند، و پای‌بندی عملی افراد به عهد و پیمان الهی مقدمه و زمینه‌ساز آن است.

بررسی روابط جانشینی نشان داد اصلی‌ترین جانشین ذنب در آیات قرآن تعبیر «خطیئة» با کاربرد انحصاری در بافت آیات مرتبط با بنی‌اسرائیل است. حَط و مشتقات آن پرکاربردترین مفهوم در اشاره به گناه در عهد عتیق، و به معنای فقدان اطاعت و قصور در تکالیف در برابر

Archive of SID

مافوق است. اشاره‌ی واژه‌ی خطیئة به این معنا کاربرد انحصاری و محدود آن در آیات مربوط به بنی‌اسرائیل را توجیه می‌کند. به مانند ذنب، کاربردهای این ریشه در عهد عتیق و قرآن در ارتباط با تکالیف انسان در برابر مافوق (مانند خداوند، پیامبران، والدین و پادشاهانی هم‌چون فرعون) است. مفاهیم فسق و جرم نیز در صورت فاعلی جانشین ذنب اند؛ امری که حاکی از ارتباط این مفاهیم در قرآن است.

در پایان باید گفت چهار مفهوم ذنب، خطیئة، جرم و فسق که همگی دائرمدار تخلف از پیمان اند را می‌توان هم‌چون الگوی ذنب‌محور گناه در قرآن یاد کرد. در جستجوی الگوهای مختلف گناه در قرآن می‌توان به الگویی جامع، پیچیده و چندسطحی رسید که درکی دقیق‌تر و متفاوت از درک امروزی گناه برایمان حاصل می‌کند. براین پایه، پیشنهاد می‌شود برای داشتن درکی بهتر از مفهوم ذنب دیگر مفاهیم حوزه معنایی گناه مانند معصیت، اثم و سیئه هم با این رویکرد تحلیل شوند تا بتوان انگاره گناه در قرآن را به‌درستی درک کرد.

منابع

- علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، *جمهرة اللغة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- ۲- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۳- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ۵- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *الفروق اللغویة*، بیروت، دار الآفاق الجدیة.
- ۶- ازهری، محمد بن احمد (بی تا)، *تهذیب اللغة*، قاهره، الدار المصریة.
- ۷- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۰ش)، *ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، قلم.
- ۸- پالمر، فرانک (۱۳۷۴ش)، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران، نشر مرکز.
- ۹- خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم، هجرت.
- ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- ۱۱- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۰ق)، *التبیان*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۲- شیرزاد، محمدحسن (۱۳۹۳ش)، *مفهوم ربا در قرآن کریم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۳- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۴- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، *التفسیر*، بیروت، دار الکتب الثقافی.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق)، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.
- ۱۶- طبیب‌حسینی، محمود (۱۳۹۷ش)، *درآمدی بر دانش مفردات قرآن*، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۷- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۶۴ق)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن*، قاهره، دار الکتب

المصرية.

- ١٨- فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ١٩- قرشی، علی اکبر (١٣٧١ش)، *قاموس قرآن*، تهران، اسلامیه.
- ٢٠- لاینز، جان (١٣٩١ش)، *درآمدی بر معنی‌شناسی زبان*، ترجمه کوروش صفوی، تهران، نشر علمی.
- ٢١- مراغی، احمد مصطفی (بی تا)، *التفسیر*، بیروت، دارالفکر.
- ٢٢- مشکور، محمود جواد (١٩٧٨م)، *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ٢٣- مصطفوی، حسن (١٤٣٠ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ٢٤- مکارم شیرازی، ناصر (١٣٧٤ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه.
- 25- Costaz, L, (1984), *Syriac-English Dictionary*, Beirut, Dar El-Mashreq.
- 26- Gesenius, W, A (1955), *Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, Oxford.
- 27- Jeffery, Arthur, (2007), *The Foreign Vocabulary of the Quran*, Boston, Brill.
- 28- Jastrow, M. A, (1950), *Dictionary of the Targumim: the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic literature*, New York, Pardes Publishing House.
- 29- Leslau, W, (1987), *Comparative dictionary of Geez (classical Ethiopic)*, Wiesbaden, Otto Harrassowitz.
- 30- Lipinski, Edward (2007), "Sin," *Encyclopedia Judaica*, ed. Michael Berenbau, New York, Macmillan Reference.
- 31- Moscati, sabatino, (1980), *An Introduction to the Comparative Grammer of the Semitic Languages*, Wiesbaden, Harrassowit.
- 32- Orel, V.E. & Stolbova, Olga V, (1994), *Hamito-Semitic Ethimological Dictionary*, Leiden, Brill.